



APPROVED
BY THE
COMICS
CODE
AUTHORITY

BLACKEST NIGHT

0
ZERO
ISSUE
JUNE '09



دورنام

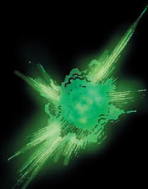
dorname.ir

کاری از کیوان داوند

در ابتدا
سیاهی بود.

سپس
روشنایی.

و جنگ بین آنها
شروع شد.



بعد از اینکه یکی از موجودات بیگانه
فضایی انگشتر قدرت اراده سبز را به من داد.
روشنایی بخشیدن به سیاه ترین بخش های
فضاشغل من شد.

اخیراً ماجرا کمی پیچیده تر
شده.

وقتی بچه بودم در مورد
طیف های نور چیزهایی یاد گرفتم.

هر بچه سه ساله ای اینو
می دونه.

هرگز به اون توجه
نکرده بودم. چون
هنرمند نبودم.

من فقط مردی بودم که
سعی می کرد ثابت کنه که

از چیزی نمی ترسه.



یا از کسی.



اسم من
هل جورده.

من یکی از افسران
لشکر فائوس سبز در
بخش فضایی ۲۸۱۴ هستم.

امروز مهم نیست نور خودم
رو چقدر پرنور می تابانم.
سایه ها برداشته نمی شن.

BLACKEST NIGHT

Death Becomes US



Geoff Johns writer

Ivan Reis penciller

Oclair Albert & Rob Hunter Inkers

Alex Sinclair colorist Nick J. Napolitano letterer

Adam Schlagman assoc. editor Eddle Berganza editor

CAPTAIN HAL "HIGHBALL" JORDAN WAS CHOSEN TO REPRESENT AN INTERGALACTIC POLICE FORCE CREATED BY THE OLDEST BEINGS IN EXISTENCE - THE GUARDIANS OF THE UNIVERSE. PROTECTING EARTH AND ALL OF SPACE SECTOR 2814 FROM EVERY EXTRATERRESTRIAL THREAT IMAGINABLE, HAL JORDAN SHINES HIS LIGHT PROUDLY AS THE **GREEN LANTERN**

بروس
وین...

...بتمن...



من تو رو تهدید نمی کنم
چوردن، دارم بهت
می گم...

...یه بار دیگه مثلن یه حشره
شب تاب با نور خودت موقعیت
منو لو بدی...

اون حلقه رو جایی
فرو می گنم که
نورش در نیاد.

تقصیر من چیه
پنهان شدن تو سایه ها
تنها قدرت توئه.



یکی دیگه از
دلایلی که من
می خوام زیر آب
باشم.

داد و بیداد
کمتره.

...بتمن
مرده.



dorname.ir

FLASH

هل.





نمی تونم زیاد بمونم.

این...

تو اسکنر پلیس می شنوم. پیش از یه صدا



اشکال نداره بری.

وقتی سیمگنال بتمن آسمان کاتهام رو روشن نکنه، هر آشغالی به خودش جرأت می ده بیاد بیرون.



کار زیادی داریم.

همین؟

نه مراسم؟

نه سخنرانی او؟

آلفرد گفت خودش اینو ترجیح داده.

قهرش حتی نشانی هم نداره.

اونا می خواستند بین مرگ بتمن و پروس وین فاصله بپفتنه. هنوز مرگش رو اعلام نکردند.

رابین اصرار داره که پروس هنوز نمرده.

هنوز امیدواره. همیشه دیک نسبت به بتمن همینطور بود.



منظورم تیم دریگه بری. تو هنوز ندیدیش.

اون رابین فعلیه.



درسته.

تیم دریگه.



ازش خوشم میاد.



هنوز کسی بخت نگفته
وقتی توی نیروی سرعت
کم شده بودی چه مراسمی
برات گرفتند؟

وقت نکردم
بپرسم.



از آینده
دور، دنیاهای موازی،
از شهرهای کوریل های
باهوش.

همه جا زهروروشد. مردم از هر
جایی اومدن. منظور
همه جاست.



برعکس چیزی
که در مورد من اتفاق
افتاد.

وقتی پارالاکس منو آلوده
کرد و ترس منو به مرز جنون
کشوند، و همه فکر کردند
من مردم؟

به سنگ
قبر من توهین
شد. نه دشمنانم
بلکه متحدان
قدیمی خودم.



کناهکار
مردم.

ولی تو
مثل یه
قدیمی.



منظورم همین بود. مرگ لزوماً آخر راه نیست. تو این سبک از کار اینطور نیست. تو من، کلارک، الیور.

پدر من. مادر تو برنگشتند. مهم نبود که چقدر دلمون می خواست بر گردند.



ولی یه چیزی در رو باز کرده. قدرت بزرگتری در کاره. تا این حد می دونم.

و اگه راه فراری باشه، مطمئن باش بتمن داره بعش فکر می کنه.



"بتمن همیشه نقشه ای داره."

"وقتی برسیم اونجا در موردش فکر می کنیم؟"

بتمن یه بار هم که شده خوش بین باش. ما اعضای لیگ عدالتیم...



"...ما تسخیر ناپذیر هستیم."

اشعه امگای دار کساید به بتمن اصابت کرد.

سوپرمن اسکلت سوخته اونو به آغوش گرفت. و همینجا دفنش کردند.



لیگ عدالت
دیگه دست نیافتنی
نبود.

کارهای
ما مر کبار تر.

دنیا جای
خطرناک تری شد.

وقتی رفتی
همه چی تغییر کرد
بری.



"آرتور کری..."

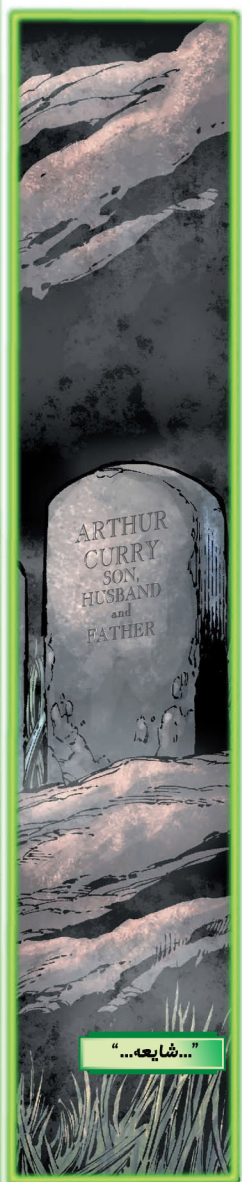
"...آکوامن..."

"...بعد از اینکه ماه ها
در حالتی جهش یافته
گیر افتاده بود، کشته شد.

"شایعاتی بود که در زمان حمله
دار کساید دوباره به خشکی آمده..."



"...ولی در همین حد
بود..."



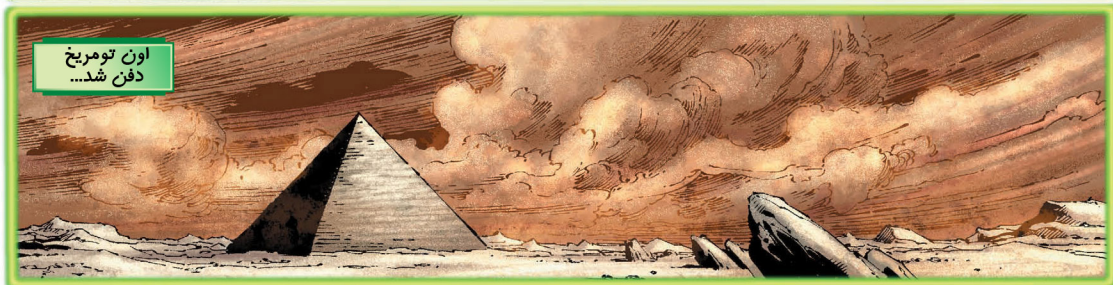
"...شایعه..."



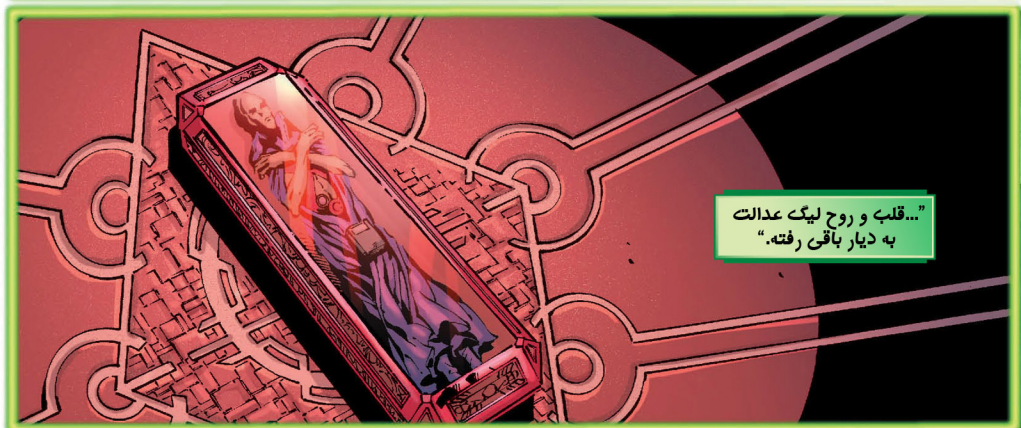
"جان جونز..."

"...منجائتر مریخی..."

"...اون بدست
پهروان دار کساید
کشته شد."



اون تو مریخ
دفن شد...



"...قلب و روح لیک عدالت
به دیار باقی رفته."

پروس هم
همینطور.
شاید مثل تو با اون تا
دیروقت شب راجع به پزشکی
قانونی و روانشناسی جنایی حرف
نزده باشم... ما با هم اختلاف
داشتیم... خیلی...



"...ولی بعد از همه چیزهایی که گفته شد و انجام شد..."



اونو رو دیدی که جلوی تو مردند؟

آره.

نمی دونستم.

وقتی بچه بودم...

تو هواپیمایی رو دیدی که سقوط کرد و چون پدرتو گرفت.

شکی نیست که هر دو ما با سختی بزرگ شدیم.



شاید در مورد تو اینطور باشه.



پروین دوست من بود.

اونجا دوستان من هم بودند هل.

و نمی تونم امید خودمو نسبت به برگشت اونو از دست بدم.

دورنانه
dornanne.ir



آره. این یکی.

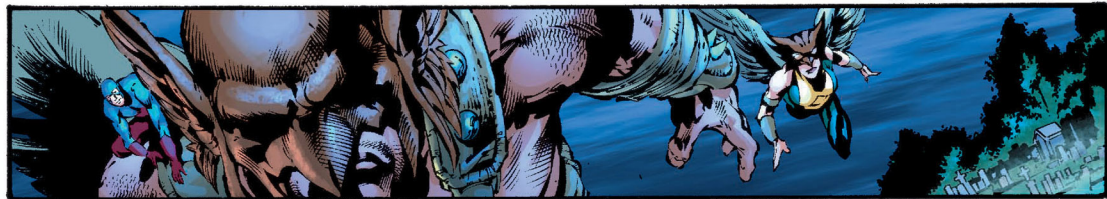
"مثل کاری که تو و من کردیم."



ترکی ترین
شب



از آستان ها
سنگ ها می کشد

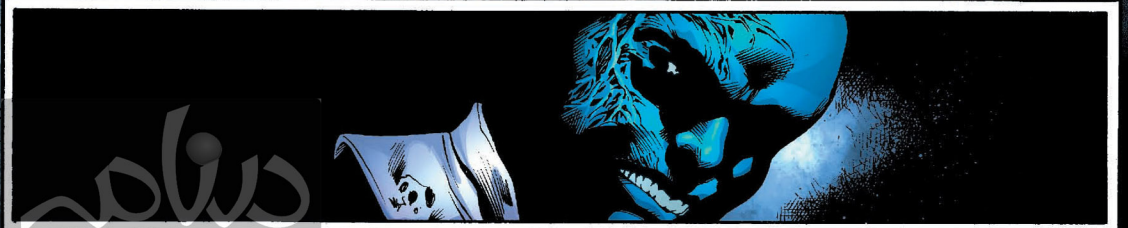


همه سنگ ها را می
نور ترکیب می کشد
می کشد



با سنگ ها
تکیه می کند و سنگ ها را
شکل می دهد

با دست سیاه
هر چه می توانست
قتل می فرستاد
کرد!



لشکر فانوس سبز

عواطف: قدرت اراده

جهان: اوآ



قدرت ها: فانوس های سبز بر قدرت طیف فیروزه ای رنگ عواطف کنترل دارند و می توانند هر سازه ای را که در تخیلشان شکل می گیرد، بسازند. انگشترهای آنها قادر است میدان پرواز، ارتباطات و دسترسی به دانش بینهایت کتاب اوآ را فراهم سازد.

نقاط ضعف: نیروهای تازه کار اغلب در استفاده از انگشترهای خود در برابر نور زرد یا وحشت مشکل دارند. حتی نیروهای کارگشته هم اگر تسلیم هراس آنی شوند، در برابر نور طلایی آسیب پذیر هستند. فانوس های سبز مانند تمامی فانوس های دیگر باید قبل از تمام شدن انرژی قدرت اراده در باتری های خود آنها را شارژ کنند که معمولاً هر ۲۴ ساعت به وقت زمین باید صورت بگیرد.

تاریخچه: میلیاردها سال پیش، نگهبانان خودگماشته جهان هستی هزاران دانشمند از سراسر جهان هستی را فراخواندند تا نیروهای پلیس بین کهکشانی را تشکیل دهند که لشکر فانوس سبز نامیده می شدند. فانوس های سبز که بدرت غلبه برترس را داشتند، با شهامت، افتخار و تعهد در بخش های فضایی مربوط به خود گشت می دادند.



اشگر فانوس سرخ

رچت

اشکالکس

فیوری ۶

دکس-امستار

بلبل

زیلیوس زاگس

واچس

آتروسیتوس

ماکور

وخم

عواطف: خشم

جهان: ایسمالت

تاریخچه: قبل از لشکر فانوس سبز، نگهبانان با استفاده از نیروی پلیس اندرویدی بنام منهایترا نظم را در کوچکشان حکمفرما کرده بودند. یک اشکال برنامه ریزی باعث شد که منهایترا تمامی موجودات منطقه ۶۶۶ را کشتند. این قبل از متوقف شدن آنها بود. پنج عضو باقیمانده این گروه، تیمی تروریستی تشکیل دادند و به نگهبانان حمله کردند و نام پنج وارونه را برای خود انتخاب کردند. آتروسیتوس در زندان با استفاده از یک سری مناسک و خون چهار عضو دیگر گروه خشم موجود در جهان را جذب کرد. او الان از فانوس های سرخ خود به عنوان سنگ هایی وحشی برای نابودی اهداف خود هل چوردن سبستر و دیگر اعضای فانوس سبز استفاده می کند.

قدرت ها: هر موجودی که به عضویت فانوس سرخ در می آید، خونش ریخته می شود و جای آن را پلاسمایی شبیه ناپالم می گیرد که هر فانوس می تواند از دهانش آن را پرتاب کند. تا زمانی که خشم وجود داشته باشد، آتش سرخ قدرت سوزاندن دارد، حتی در خلا فضا انگشتن های قدرت هم قادر به ایجاد میدان های قدرت و پرواز هستند.

نقطه ضعف ها: چون خشم درلیه بیرونی طیف عواطف قرار دارد، فانوس های سرخ نمی توانند درست و منطقی فکر کنند. بندرت حرف می زنند غیر از رهبرشان آتروسیتوس آنها بی آنکه رزی از خود به جا بگذارند حمله می کنند. نور آبی امیدی تواند آتش سرخ آنها را خاموش کند.



مأمور نارنجی

عواطف: حسادت

جهان: اوکورا
سیستم وگا

لارفلز

تاریخچه: هزاران سال پیش بر اساس پیمانی که بین نگهبانان و محافظان نور نارنجی بسته شد، دارندگان نور نارنجی متعهد شدند که این نور را مدفون کنند و تا زمانی که به این پیمان متعهد هستند، منظومه خورشیدی آنها خارج از حوزه قضایی لشکر فانوس سبز باشد. اخیراً این پیمان شکسته شده است و تنها محافظ نور نارنجی لارفلز معروف به مأمور نارنجی نور فانوس خود را رها ساخته و بدنبال بدست آوردن و مصرف نور فانوس های دیگر است.

قدرت ها: مأمور نارنجی می تواند از موجوداتی که می کشد، اوتار فانوس نارنجی بسازد، در اصل او می تواند هویت او را پس از مرگ به سرقت برد.

نقاط ضعف: انگشتر نارنجی نمی تواند قدرت انگشتر آبی را جذب کند. ارتباط آن با نور نیلی رنگ هنوز نامشخص است. انگشتر نارنجی تأثیرات اعتیادآوری دارد که تا به امروز محاسبه نشده اند.

لشکر سینسترو

عوامف، وحشت

جهان، کوارد

اسلاش

تک

لو

ارکیلو

سینسترو

مور مرد
هداب

لیسا دارک

ردوون

رومات-رو

ماش

لاک-ای

کریک

کارو
هسل

تاریخچه: سینسترو زمانی بزرگترین فانوس سبز شناخته می شد. بعد از اخراج از نیرو و محاکمه شدن بخاطر سوء استفاده از قدرتش به جهان ضد ماده تبعید شد. در آنجا بود که فهمید در جهان کوارد، نور زرد استحصال می شود. پس از آن سینسترو هزاران موجود ترسناک، روانی و دگرآزار را از سراسر جهان هستی دور خود جمع کرده از قدرت طلایی خود استفاده کند و تمام مخالفانش را بسوزاند.

نقاط ضعف: حضور یک فانوس آبی می تواند بطور کامل قدرت ساطع شده از انگشترهای سینسترو را مختل کند. علاوه براین، محدودیت شارژ شدن در مورد انگشترهای زرد مانند فانوس های دیگر وجود دارد.

قدرت ها: انگشترهای زرد هم مانند انگشترهای سبز قادر هستند تا سازه های موجود در تخیل دارنده خود را در واقعیت ایجاد کنند. انگشترهای قدرت، توانایی ایجاد میدان قدرت، توانایی پرواز و ایجاد ارتباط را دارا هستند.



لشکر فانوس آبی

عواطف: امید

جهان: اودیم

اسپنت
واکر

کانتت

ساجد

خواهر
سرسی

برادر
وارث

برادر
هین



تاریخچه: کانتت و سایدپس از عزیز داشتن عواطف از جمع نگهبانان رانده شدند. سپس آنها به جهان باغ مقدس اودیم پا نهادند و در آنجا پایه های لشکر خود فانوس های آبی را بر محور ایمان استوار کردند. اگرچه آنها چیزی جز گروهی از فانوس های آبی نیستند. ولی در بین آنها گروهی از معنوی ترین و به حق ترین موجودات جهان به چشم می خورد.

نقطه ضعف ها: در صورت عدم وجود فانوس سبز در فاصله نزدیک، انگشتر فانوس آبی تنها قادر است میزان کمی از نیروی پرواز و دفاع در برابر خلا را ایجاد کند.

قدرت ها: انگشترهای آبی بر اساس امیدهای فرد هدف سازه هایی را برای آرام کردن عواطف او ایجاد می کنند. فانوس های آبی همچنین قادر هستند تا خورشیدهای در حال مرگ را به ستاره های آبی درخشان تبدیل کنند تا به مانند نمادی برای همگان بدرخشند. مانند تمامی انگشترهای قدرت دیگر، قادر به ایجاد میدان های نیرو، پرواز و ایجاد ارتباط هستند. نور آبی انگشتر سبز را شارژ می کند و شارژ انگشتر زرد را خالی می کند.



قبيله نیلی

عواطف: مهرجانی

جهان: ناشناخته

ایندیگو



تاریخچه: جهان هستی هنوز وجود
قبیله نیلی را کشف نکرده است.

قدرت ها: ناشناخته

نقاط ضعف: ناشناخته



یاقوت های ستاره ای

عواطف: عشق

جهان: زامارون

ملکه
آکاجو

هیچالیسی

یاقوت
گمشده

دلا
فارون

ریس

میس بلاس

هدری

کارول
فریس

تاریخچه: نگهبانان اوآ هزاران سال در مورد ترک عواطف به بحث و گفتگو پرداختند. گروهی از اعضای مؤنث آنها تصمیم گرفتند ضمن جدایی مخالف این کار را انجام و پذیرای آنها باشند. آنها از جهانی به جهان می رفتند تا زمانی که در سیاره زامارون قلب نور یاقوتی را یافتند. آنها با مال خود کردن این جهان کریستالی، لشگری ساختند که تحت عنوان یاقوت های ستاره گان شناخته می شدند. آنها می توانستند نور بنفش عشق را بدست گیرند و به نور خود تبدیل کنند.

نقاط ضعف: بدلیل قرار گرفتن بنفش در بخش بیرونی طیف احساسی فرآیند افکار یک یاقوت ستاره ای را می توان تا حد زیادی تغییر داد. البته همیشه به این صورت نیست.

قدرت ها: یاقوت ستاره ای می تواند با قلب آنهايي که آن را بدست می کنند، ارتباط برقرار کند و عمیق ترین عشق آنها را برملا کند. این انگشتر می تواند مانند ریسمانی به عشقی که در تنگنا قرار گرفته متصل شود و یاقوت ستاره ای را به کمک او گسیل کند.



اشگر فانوس سیاه

عواطف: مرگ

جهان: دلجای مرده ریوت

تاریخچه: فانوس سیاه مرموز از جسد آنتی مانیتور در سیاره ریوت، دنیایی که به دست متهاترهای نگهبانان نابود شده بود، به پا خاست. خالق و هدف نهایی آنها نامشخص است.

قدرت ها: ناشناخته

نقاط ضعف: ناشناخته

اشکار

بلک هند

چه کسی به پایم خیزد؟
در شماره بعدی
سیاه ترین شب
پاسخ این سوال را دریافت
کنید.



APPROVED
BY THE
COMICS
CODE
AUTHORITY

BLACKEST NIGHT

0
ZERO
ISSUE
JUNE 09



دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی